

## مفهوم لذت از دیدگاه مولوی

کوروس کریم پسندی

korospasandi@yahoo.com

## چکیده

یکی از مبانی دستگاه فکری مولوی در عرفان، موضوع لذت است. مولوی انغمار در لذت‌های مجازی را، راهزن معانی، اساس رنج پایدار و به هم خوردن تعادل روانی می‌داند. در نقطه مقابل، لذت‌های باطنی و حقیقی را باعث نورانیت و صفای روح، نشاط حقیقی، کسب معرفت و بصیرت باطنی می‌داند. این مقاله به واکاوی موضوع لذت در آثار مولوی می‌پردازد و نیز، سیری است در اشارات تأمل برانگیز این عارف بزرگ درباره تعریف لذت، منشأ و سرچشمه لذت، مراتب لذت، علل گرایش انسان به لذات مجازی، انواع لذت، عوامل مؤثر در رهایی از دام لذات مجازی و توصیه مولانا درباره لذت‌های مجازی؛ و این که انسان‌ها ضمن برخورداری از لذت‌های مجازی به حد ضرورت، باید آن را تصعید ببخشند و در مجاری و کانال‌های روحانی به کار گیرند و از آن پلی بسازند برای عروج به لذت باطنی و حقیقی و منبع اصلی لذت. امید است که پیروی از اندیشه‌های بلند معنوی مولوی، روزه‌ای از نجات و رستگاری را به روی خواننده بگشاید.

واژه‌های کلیدی: مولوی، شعر، نثر، لذت

## مقدمه

مسئله لذت، یکی از مسائل دیرینه، پردامنه و پرجاذبه است که به انحای مختلف مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته است. «از نکات قابل توجه درباره این مسئله آن که، جزو مسائل چند تباری است؛ به همین جهت لذت و نقطه مقابل آن، درد، از یک سو توجه مکاتب مختلف فلسفی و اخلاقی را به خود معطوف نموده است و از دیگر سو، ادیان الهی و غیرالهی، آرای مختلفی درباره آن ابراز کرده اند.» (ملکیان، ۱۳۸۵: ۴۳)

هیچ شک و تردیدی در تأثیر لذت، در شئون زندگی ما انسان‌ها وجود ندارد، می‌توان گفت؛ اکثریت انسان‌ها، پدیده لذت را نیرومندترین عامل ادامه زندگی خود تلقی می‌کنند «بلکه همان گونه که می‌دانیم گروه‌های مختلف سرخوشان (لذت‌گرایان، هذونیست‌ها) اصلاً هدف از حیات را لذت با اقسام گوناگونش می‌دانند، و هم چنین از هر گونه درد گریزان هستند.» (احمدی، ۱۳۶۰: ۱)

البته این نکته را باید بپذیریم که پدیده لذت و الم طبیعی را که مربوط به قوانین رسمی جهان و انسان و ارتباط آن دو به یکدیگر، بدون دخالت عوامل فساد از جانب خود ما انسان‌ها که موجب غیرقانونی بودن آن دو می‌گردد، باید از عناصر حیات محسوب نمود؛ بلکه از یک جهت باید آن دو را از عامل حکمت خداوندی برای آگاهی ادامه زندگی در نظر بگیریم. مولوی این حقیقت را چنین بیان نموده است:

خنده از لطف حکایت می‌کند  
نالاه از قهرت شکایت می‌کند

این دو پیغام مخالف در جهان  
از یکی دلبر روایت می‌کند

(مولوی، ۱۳۷۸/ غ)

(۸۲۱)

در علم روان‌شناسی، لذت «از بسیط‌ترین و مجردترین کیفیات نفسانی هست و از این رو تعریف آن غیرممکن است، بعلاوه به تعریف نیازمندی ندارد؛ زیرا همه کس آن را می‌شناسد و هر لحظه ادراک کرده یا می‌تواند ادراک نماید.» (سیاسی، ۱۳۲۱: ۳۱۸)

البته باید اذعان داشت در روان‌شناسی «اصل لذت، نظریه سودمندی است که اولین بار جرمی بنتام آن را مطرح کرد. به نظر وی هدف اساسی زندگی، کسب لذت و خوشی است.» (خدایپناهی، ۱۳۸۲: ۴۲) در اصطلاح فلسفه، لذت، «عبارت از ادراک ملایم با طبع است، در مقابل آلم که ادراک منافر با طبع است. در این که لذت و الم از امور حقیقی ثابت و متقرر هستند یا از امور نسبی و اعتباری، اختلاف است.» (فرهنگ معین، ذیل لذت)

اما در اصطلاح تصوف، لذت «آن خوشی و وجد شدیدی است که پس از شناسایی و معرفت، عارف را دست می‌دهد.» (ابن سینا، ۱۳۸۲: ۴۳۱)

مولوی نیز معتقد است لذتی که شایسته آدمی است، همانا لذت حقیقی است که پس از شناخت و معرفت به انسان دست می‌دهد و آن تعالی بخش و پایدار است؛ همچنین عقیده دارد که لذت حقیقی، در ترک لذات حیوانی است و ترک لذت مجازی، لذت بخش‌تر از خود آن لذت است:

در جهان گر لقمه و گر شربت است  
محو لذت است

گرچه از لذات، بی تأثیر شد  
لذتی بود او و لذت گیر شد

(مولوی)

(۱۳۶۳ / ۴ / ۴۰۵ - ۴۰۴)

مولوی، لذت را به حقیقی و پایدار، مجازی و ناپایدار تقسیم می‌کند و در این تقسیم بندی، به نظر گروه اخوان الصفاء نزدیک است که می‌گویند: لذت بر دو نوع است؛ جسمانی و روحانی.

هدف نگارنده از این نوشتار آن است که انسان‌ها، در عصر حاضر که تا حدی عصر لذت جویی‌های مجازی است با التزام به نسخه درمان